

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : شهریار، سکینه؛ ۱۳۴۹- گردآورنده  
 عنوان و نام : انفجار نور، سکینه شهریار؛ به سفارش  
 پدیدآور : اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران  
 استان هرمزگان  
 مشخصات نشر : بندرعباس: نشر رسول، ۱۴۰۰.  
 مشخصات ظاهری : ۴۰ ص. مصور(رنگی)  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۳۳-۳۴-۴ / ۲۵۰۰۰  
 وضعیت فهرست : فیپا  
 نویسی :  
 موضوع : شهیدان-ایران-- هرمزگان-- سرگذشتنامه  
 موضوع : ایران-تاریخ-- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷--  
 شهیدان  
 شناسه افزوده : اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران  
 استان هرمزگان  
 رده بندی : ۱۴۰۰ الف ۸ ۹۴ ش/۱۵۶۷ DSR

رده بندی : ۰۹۲۲ انفجار نور

دیویی

شماره : ۳۳۷۳۵۸۳

به سفارش اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان  
 گزردآوری و تألیف: سکینه شهریار

ناشر: نشر رسول

صفحه آرای و طراحی جلد: محمدباقر بهرامشاهی

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۲ / اول

چاپ و صحافی: سلمان فارسی

محل نشر: بندرعباس

قیمت: ۲۵۰۰ تومان



نشر رسول

Email: [rasoolpublish@yahoo.com](mailto:rasoolpublish@yahoo.com)

[www.nashrerasool.ir](http://www.nashrerasool.ir)



بنیاد  
شعبه  
۱۳۵۸  
واحد امور ابنزگران  
اداره کل استان هرمزگان

# نور انفجار

کتابخانه شهریاری

منابع: کتاب انقلاب اسلامی به  
روایت اسناد ساواک  
(مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت  
اطلاعات)



( فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ  
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا )

«کسانی که زندگی دنیا را به آخرت  
فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند  
و آن کس که در راه خدا پیکار کند و  
کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی

( ... وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ  
لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَيَّ )

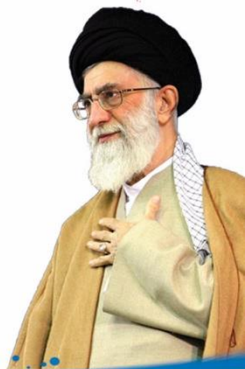
«و اگر خداوند، بعضی از مردم را به  
وسيله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را  
فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند نسبت به  
جهانیان، لطف و احسان دارد»





امام خمینی (ره):

انقلاب اسلامی ایران پرتویی از عاشورا و  
انقلاب عظیم الهی آن است.



مقام معظم رهبری (حفظه الله):

شما برادران و خواهران عزیز و همه ملت بزرگ ایران  
باید بدانند که کربلا الگوی همیشگی ماست.

## پیام مدیر کل بنیاد شهید و

### خداوند متعال در حدیثی قدسی می‌فرماید:

( هرکس مرا طلب کند مرا می‌یابد، و هر کس که مرا یافت مرا می‌شناسد و هرکس که مرا شناخت مرا دوست می‌دارد، و هرکس که مرا دوست داشت عاشق من می‌شود و هر کس عاشق من شود، من عاشق او می‌شوم و هرکس که من عاشق او شوم او را شوم و هرکس که من او را شوم او را شوم )  
« **شهید** » می‌کنم و کسی که من او را شهید کنم خون‌بهایش با من است و خودم خون‌بهای او هستم )

با سلام و درود به محضر امام عصر حضرت حجت روحی فداء و با درود به روان پاک معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی  $\square$  و آرزوی سعادت برای رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای و تقدیم تحیت و صلوات به ارواح قدسی **شهدای** اسلام. انقلاب همواره قیام حق خواهانی است که از نقطه خاصی آغاز و پس از فراز و نشیب‌های گوناگون در زمان معینی به پیروزی می‌رسد، در این صورت حوادث و وقایعی که طی این دوره - آغاز تا پیروزی - اتفاق می‌افتد از اهمیت بسزایی برخوردار است و یک مقطع برجسته و نقطه عطف در تاریخ آن انقلاب به

**شهیدان**، عمل و ایمانشان توأم بود و برای همه الگو و به راستی چه کسی می‌تواند در عمل به آن چه که می‌گوید و در احساس مسئولیت نسبت به آن چه که مسئولیت دارد و در فداکاری به آن چه را که نام ایثار بر آن گذاشته‌اند، اسوه و الگو باشد جز **شهیدان**؟ یقین دارم هرچه زمان بگذرد، خورشید پر فروغ نام و یادشان درخشان‌تر می‌گردد. مزارشان، زیارتگاه خاص و عام، ملجأ دل شکستگان و مرجع مدافعان حق می‌ماند یادشان همیشه گرامی باد.

مدیر کل بنیاد شهید و

امور ایثارگران استان هرمزگان

## گفتار نویسنده

وقتی که انقلاب اسلامی در سایه سار نخل ولایت رحمانی حضرت امام خمینی<sup>ؑ</sup>، قامت بر افراشت و جهان را با جان مایه‌هایی از «استقلال» آزادی و «جمهوری اسلامی» رنگی از حیات طیبه زد و با این پیروزی ایران پرچمدار جهاد و مبارزه علیه سردمداران قدرتهای استکبار گردید. ابهت شرق و غرب شکسته شد و اذن آزادی انسان از قیود بندگی بت‌های جاهلیت مدرن و رفتن به سوی معنویت و بندگی خدا بر بام دنیا تلاوت شد. این پیروزی منافع غرب و شرق را به خطر انداخت و آنان از همان ابتدا دشمنی خود را با ایران آغاز کردند و با صرف هزینه‌های میلیاردی و نظریه پردازی‌های خیالی و استراتژی‌های به ظاهر مهم به مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند. اما از آنجا که این نظام و رهبری رنگ و بوی معنوی و الهی داشت و نشأت گرفته از نهضت عاشورا و انتظار موعود بود و از طرفی خواستار برقراری عدالت در جهان و



دربه ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند اسلامی، چه بسیار بودند دلیر مردان برومندی که با تقدیم جان خویش به پیشگاه الهی، نام خویش را در میان شاهدان قدسی، ماندگار ساختند.

امیدوارم این مجموعه مورد قبول خاطر خوانندگان عزیز قرار گیرد تقاضا داریم قبل از شروع مطالعه زندگی هر **شهید** صلواتی نثار روح آن شهید بزرگوار کنید تا به این وسیله نشان دهیم که نامشان در روح و قلبمان حک گردیده است. اینک با الهام از آموزه‌های آن پیر سفر کرده، خمینی کبیر، دست به دعا بر می‌داریم که:

«خداوندا دفتر و کتاب **شهادت** را همچنان به

## گزیده‌ای بیانات امام

خمینی □:

✱ خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است.

✱ انقلاب ما متکی به معنویات و خداست.

✱ پیروزی انقلاب رهین همه ملت است.

✱ انقلاب اصیل ما جلوه‌ای از نهضت پر عظمت حضرت رسول الله □ است. هرچه انقلاب اسلامی دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است.

✱ این نعمت بزرگ الهی (انقلاب اسلامی) را ارزان از دست ندهید.

✱ ۲۲ بهمن در طول زندگی و برای نسل‌های آینده باید سرمشق همه قرار گیرد.

✱ فجر انقلاب، دمیدن خورشید

گزیده‌ای از بیانات مقام

معظم رهبری (حفظه‌الله):

✱ در انقلاب ما باید مکتب، قرآن، اسلام، وحدت و امامت حفظ شود.  
✱ دهه فجر مقطع رهایی ملت ایران است.

✱ زنده نگه‌داشتن یاد **شهدای** انقلاب باعث تداوم حرکت انقلاب است.  
دهه فجر آینه‌ای است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد.

✱ انقلاب اسلامی با اتکاء به قدرت مردم، آسیب‌ناپذیر است.  
این انقلاب، بی نام خمینی □ در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.  
✱ حفظ حیثیت و آبروی انقلاب اسلامی و نظام، امروز بر همه واجب است.

✱ از ارزش‌های انقلاب و دستاوردهای انقلاب باید همه، زن و مرد و پیر و جوان دفاع کنند.



شہید سید ابراہیم موسوی نسب



شہید جہانگیر امینہ



شہید علی سالیانہ



شہید حسین نظری

شہیدہ مژگان خضریٰ شہید ناصر گرجے زادہ (متین)



شہید عسکر حسین یوزاھری





## شهید جهانگیر امینی در تاریخ

۱۳۲۷/۱۲/۸ در جزیره کوچک هرمز، پای به دنیا نهاد. روزهای سخت زندگی را با غم از دست دادن پدر در سه سالگی در برابر دیدگان خود احساس نمود؛ از این رو پس از اتمام دوران ابتدایی برای تأمین مایحتاج خانواده اش به شغل کارگری روی آورد. در شانزده سالگی به شهرستان میناب نقل مکان نموده و در مغازه آرایشگری مشغول به کار شد. وی در سال ۱۳۵۳ با خانمی از زمره سادات ازدواج کرد که ثمره آن دو دختر می‌باشد. در آن سال‌های ظلمت و فقر، او شرط پیروزی حق بر باطل را آگاهی مردم می‌دانست. از این رو تصمیم به برقراری ارتباط با انقلابیون گرفت و به شهرستان بندرعباس آمد و با برادران انقلابی از جمله آقای متین و... آشنا شد. اما طولی نکشید که دستگیری افراد انقلابی آغاز شد. در سال پنجاه و پنج با کمک امام جمعه میناب توانست در پخش نوارها و اعلامیه‌ها، دین خود را به مردم میناب ادا کند. او که جنگ مسلحانه با رژیم دژخیمان پهلوی را آرزوی دیرینه خود می‌دانست، سرانجام در تظاهرات خیابانی ۲۴ مهر ماه ۱۳۵۷ در میدان **شهدا**، شب هنگام در پی اعتراضی که به مأمورین شاه در حالی که آب بر روی مردم می‌پاشیدند نمود. سینه اش مورد اصابت گلوله‌های **شاهنشاهی** قرار گرفت و





**شهید ناصر گرجی زاده (متین)** در تاریخ ۱۳۴۰/۷/۲۵ در شهر بندرعباس به دنیا آمد. دوران زندگی کوتاه ولی پرثمر خود را در کنار برادرشان حجت الاسلام متین گذران و به همین دلیل در یک محیط کاملاً مذهبی بزرگ شد، خوش برخوردی و شوخ طبعی ایشان باعث شده بود که بسیاری از دوستان را به طرف خود جذب کند. دقت نظر و کنجکاوی زیاد و حس پویایی او باعث شده بود تا از کنار هیچ مسئله‌ای بدون بررسی کامل نگذرد. امام را بسیار دوست می‌داشت. به خاطر علاقه وافری که به دروس عربی داشت در سال ۵۳ در کلاس **شهید حقانی** در مسجد کوفه با عده‌ای از دوستان مذهبی خود شرکت کرد و در واقع این‌گونه برنامه و کلاسها از جمله اصول و عقاید و مسائل سیاسی که از طرف **شهید حقانی** در شرایط خفقان برگزار می‌شد افکاری سیاسی ایشان را شکل بخشید. در دوره راهنمایی به غیر از فعالیتهای چشمگیر در بین همکلاسان و همراهان خود در اداره کتابخانه، مدرسه و ترویج برنامه‌های اسلامی در بین همشاگردی‌ها و معلمین بسیار مؤثر بود. از سالهای ۵۵ به بعد با شروع دوران دیگری از تحصیل در دبیرستان با نیروی فکری قویتر و فعالیت بیشتری از شرایطی که اکثر جوانان دور از مسائل زمان بودند کارشان را با همکاری در مسجد فاطمیه و سر و سامان



در مجالسی از قبیل مراسم شب هفت آیتالله شهید آقا مصطفی فرزند گرانقدر حضرت امام خمینی □ که در شرایط حساسی با توجه به جو موجود برگزار می‌شد و عده‌ای خاص شرکت می‌کردند حضور مؤثری داشت. در حالی که هنوز حرکتی حاکی از جنبش مردم به چشم نمی‌خورد با تخریب مشروب فروشی‌ها و دیگر اماکن فساد و پخش اعلامیه‌های حضرت امام گام مهمی در حرکت انقلابی هرمزگان ایجاد کرد. تا این که در اردیبهشت ۵۷ که یکی از روحانیون مبارز در مسجد فاطمیه به مدت ۱۰ شب جهت ایراد سخنرانی دعوت شده بودند شب ۴ یا ۵ بعد از سخنرانی ایشان به وسیله موتور سیکلتی که از دوستانشان امانت گرفته بود در حالی که تعدادی نوار مراسم کشتار یزد و مقداری اعلامیه در زیر لباس‌هایشان پنهان بود از مسجد به طرف محلی که در نظر داشت حرکت کرد که مورد تعقیب مأمورین ساواک قرار گرفت و به خاطر اضطرار و فرار از دست مزدوران ستم‌شاهی از شهر خارج شده تا اینکه روبروی اداره کل راه و ترابری در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۳ به دست عمال رژیم منفور پهلوی به شهادت رسید و به خیل شهدای اسلام پیوست. مزار پاکش در گلزار شهدای بندرعباس واقع است.





**شهید علی سایانی** در ۲۹ فروردین ۱۳۴۴ در مرو دشت شیراز دیده به جهان گشود. روز تولدش مصادف با میلاد امام علی النقی (ع) پیشوای دهم از خانواده عصمت و طهارت بود، لذا او را علی نام نهادند. دوران کودکی علی در مسافرت‌های پی‌پی سپری شد. به تدریج که بزرگتر شد درد جامعه را بیشتر احساس نمود. در ماه رمضان روزه و نمازش ترک نمی‌شد و در وقت افطار، اول غذا را به همسایه‌های دور و بر و دوستان نزدیک که وضع مالی خوبی نداشتند می‌بخشید و سپس خود افطار می‌نمود. در دوران نوجوانی از کرمانشاه به بندرعباس آمد و پس از چندی که انقلاب در شهرهایی چون قم، تبریز و تهران به اوج خود رسیده بود در حالی که در بندرعباس سیر اولیه‌اش را طی می‌کرد به صف انقلابیون پیوست و فعالیت‌های خود را آغاز نمود. گاهی **شهید** سایانی شبها تا دیر وقت بیدار می‌ماند و با کمک دوستانش اعلامیه‌ها و پیام‌های امام را دستنویس کرده و صبح زود آن‌ها را در کثو میز مدرسه می‌گذاشت تا دیگران از این طریق با اوضاع کشور آشنا شوند. همچنین نوارهای سخنرانی امام را از دوستان خود گرفته و آن‌ها را تکثیر و پخش می‌کرد. بعضی مواقع نیز نوارهای امام را به منزل می‌آورد تا خانواده‌اش نیز بی‌نصیب نگذارند. **شهید** علی سایانی در برابر اعترافاتی که نسبت به فعالیت‌هایشان از سوی

زودی شما آزاد می‌شوید.

در روز ۹ دی ماه در آموزش و پرورش مراسمی برقرار بود. پس از اتمام مراسم مردم دو دسته شدند؛ یک دسته به طرف فرماندهی رفته و دسته دیگر به طرف فلکه انتهایی خیابان شریعتی (شاه حسینی سابق) حرکت نمودند و در مسیر خود چندین مشروب فروشی و بانک را به آتش کشیدند، علی نیز در این تظاهرات شرکت داشت. تلاش فوق‌العاده او باعث دلگرمی دوستانش می‌شد. در تظاهراتی دیگر که مردم به طرف خیابان سید جمال‌الدین آمده بودند، مأموران رژیم ناگهان به پرتاب گاز اشک آور و شلیک گلوله پرداختند و ناگهان او که در نزدیکی دیوار دبستان محمدیه ایستاده و مشغول شعار دادن بود به زمین افتاد و خون از سرش فواره زد. از بس دود فضا را انباشته بود معلوم نشد که حادثه چگونه اتفاق افتاد. ولی طبق گزارش پزشک بیمارستان علت **شهادت** علی ورود ضربه جسم سنگینی به ناحیه سر او بوده است که احتمال می‌رود در اثر ضربه کپسول گاز اشک آور بوده باشد. پس از وقوع حادثه یکی از دوستان علی با خون علی جمله مرگ بر شاه را بر دیوار مدرسه نوشت که تا مدت‌ها باقی بود. **شهید** علی سایانی به مدت یک هفته در بیمارستان بستری بود و سرانجام در روز ۱۵/۱۰/۵۷ به آرزوی **علی** در بینه خود رسید.



**شهید سید ابراهیم موسوی نسب** در تاریخ ۱۳۳۹/۹/۱ در شهرستان میناب متولد گردید. وی در آغاز کودکی تیزهوشی و هوشیاری خود را نشان داد. **شهید موسوی نسب** دوره ابتدایی را در دبستان فردوسی گذراند و پس از پایان سال دوم دبیرستان جهت ادامه تحصیل به دانشسرای بندرعباس رفت. دوران تحصیلی وی در دانشسرا مصادف با اوج گیری انقلاب بود. وی علاقه زیادی به مسجد داشت. در زمان شروع انقلاب شخصیت ارزنده او نیز رشد نمود و از او یک جوان انقلابی و مسلمان غیور ساخت. به طوری که پخش اعلامیه‌های امام و کتب انقلابی و تبلیغ و اشاعه انقلاب، اکثر اوقات او را پر کرده بود. جریان **شهادت** وی را چنین نقل نموده‌اند که در یکی از شبهای تظاهرات که از مسجد جامع تا زینبیه میناب برقرار بود هنگام بازگشت از مسجد زینبیه با مأمورین درگیری و زد و خورد شدیدی ایجاد شد که ناگهان دستور تیراندازی از طرف رئیس شهربانی صادر گشت و در اثر تیراندازی، در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۴ مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به درجه رفیع **شهادت** نائل شدند. مزار پاکش در گلزار **شهدای** میناب واقع است.



**شهید حسین نظری** در تاریخ ۱۳۱۴/۱/۱

در خانواده‌ای متدین و مذهبی چشم به جهان گشود. سالهای اولیه عمر خویش را در روستا گذراند و طعم تلخ محرومیت را با تمام وجود حس نمود. خشکسالی و مشکلات زندگی باعث شد تا او برای تأمین زندگی به اتفاق خانواده‌اش به میناب مهاجرت نماید. پس از یک سال اقامت در میناب جهت امرار معاش به بندرعباس عزیمت نمود و در شرکت نیرال اکسپورت "کارگاه سنگ و معدن" مشغول به کار شد. **شهید** در سن ۲۵ سالگی ازدواج نمود که ثمره این ازدواج دو فرزند می‌باشد. از خصوصیات روحی **شهید**: دارای روحیه‌ای مذهبی، فراترس، مهربان و با تقوا بود. به خوبی حق پدر و مادر و همسایگان و خویشاوندان را ادا می‌کرد، تا آنجایی که الگوی بسیار پسندیده‌ای برای فامیل و خانواده بود. در محافل مذهبی شرکت فعالانه‌ای داشت. علاقه خاص او به آقا امام حسین و حضرت ابوالفضل قابل توصیف نیست. اکثر مواقع نماز ظهر و عصر خویش را در مسجد کوفه بندرعباس به جا می‌آورد. در این مکان مقدس با جریانات انقلاب و مبارزه با حکومت منحوس پهلوی آشنا شد. در تظاهرات و راهپیمایی‌های شهر شرکت می‌کرد تا اینکه در

تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۰

شماره ۱۰، فصل ۱۰، شماره ۱۰



**شهیده** **مژگان خضری** در تاریخ ۱۳۵۴/۶/۱۱ در شهرستان بندرعباس به دنیا آمد. وی هنگام هجوم نیروهای شهربانی آن رژیم پهلوی به تظاهرات کنندگان و پناه آوردن تعداد زیادی از تظاهرات کنندگان در منزل در حالی که جلوی درب منزل ایستاده بود، بر اثر تیراندازی شدید نیروهای رژیم ستمشاهی در سن سه و نیم سالگی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۴ به **شهادت** رسید. مزار پاکش در گلزار **شهدای** بندرعباس واقع است.

**شهید** **عسکر حسین‌پور اهری** بنا به روایت آقای علی دانشمند از مبارزین قبل از انقلاب **شهید** **عسکر حسین‌پور اهری** در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۴ در هنگام تظاهرات علیه رژیم پهلوی در میدان بلوکی سابق بندرعباس توسط نیروهای شهربانی آن رژیم بر اثر تیراندازی به **شهادت** رسیده و پس از یک روز طی مراسمی توسط مردم بندرعباس پیکر پاکش به زادگاهش در اهر انتقال یافت.



## پیروزی نهایی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

در دوران معاصر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حادثه مهم و حیرت انگیزی برای جهانیان بود. این حادثه بزرگ قرن، از یک سو معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان بر هم زد و از سوی دیگر، یکی از استوارترین رژیم‌های وابسته را ریشه‌کن ساخت و در کشور ایران، با اهمیتی که از نظر استراتژیکی و اقتصادی برای قدرت‌های بزرگ جهان داشت، تحولی سیاسی - مردمی و عظیم به وجود آورد و یک بار دیگر اسلام به عنوان قدرت تعیین کننده در جهان مطرح شد و چشم انداز وحدت جهان اسلام و ایستادگی در برابر استعمار کهنه و نو، ایجاد قطب سیاسی جدید در جهان و فروریزی رژیم‌های وابسته و تحمیلی را در سرزمین‌های پر نعمت اسلامی، در برابر دیدگان مشتاق بیش از یک میلیارد مسلمان گشود و موجی از وحشت و اضطراب را در دل‌های جهان‌خواران پدید آورد.

## آغاز نهضت

در سال ۱۳۹۶۰، کنندی رئیس جمهور آمریکا شد. او به منظور جلوگیری از تعمیق اندیشه‌های انقلابی و در نهایت حفظ آمریکا، برنامه‌های اصلاحی را **۳۳** حکومت‌های وابسته



اصلاحات اراضی زد، حکومت ایران و مطبوعات خارجی و به خصوص آمریکایی نام این اصلاحات را انقلاب نهادند که رفته رفته نام «انقلاب سفید» بر آن اطلاق شد.



به خاطر رقابتی که بین شاه و امینی به وجود آمد، شاه امینی را عزل و در تیر ماه سال ۱۳۴۱، اسدالله علم به نخست وزیری منسوب شد. در مهرماه سال ۱۳۴۱ مطبوعات نوشتند که در دولت لایحه‌ای با سه نکته تازه به تصویب رسید. به زنان حق رأی داده شد، قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌ها برداشته شد و به جای سوگند به قرآن، سوگند به "کتاب آسمانی" آورده شده است. پس از انتشار این خبر، موج مخالفت از سوی روحانیت و مراجع دینی پدید آمد و در میان دیگر اقشار جامعه، گسترش یافت و رژیم ناچار به عقب نشینی شد و علم طی تلگرافی به علمای قم گفت: نظریه دولت در مسأله اسلامیت همان نظریه علمای اسلام است. سوگند به قرآن مجید است.

اما امام خمینی یکی از مراجع بزرگ  
 تقاریر از آنجا که افکار و اندیشه‌ها را

تصویب نامه را اعلام کرد. امام رحمة الله خواستار اعلام رسمی در جراید شد، از این رو در آبان همان سال در مطبوعات نوشته شد: «در هیأت دولت تصویب شد که تصویب نامه مورخه ۱۳۴۱/۷/۱۴، قابل اجرا نخواهد بود.

پس از پایان این ماجرا، تبلیغات دامنه داری علیه روحانیت آغاز شد. در دی ماه ۱۳۴۱ شاه اصول پیشنهادی خود را که بعدها «لوائح ششگانه» نام گرفت تا سال ۱۳۵۶، تا ۱۹ اصل گسترش یافت، اعلام کرد و از مردم خواست که با شرکت در همه پرسی به آن‌ها رأی دهند. مراجع تقلید طی اعلامیه‌ای فراندوم را خلاف شرع و قوانین اعلام کرده و آن را تحریم کردند. این بیانیه‌ها بازاریان و اصناف با اجتماعات، انجمن‌ها، اعتصابات و بیانیه‌ها در تهران، حکم و مداخلی شهرهای بزرگ به حمایت از روحانیون برخاستند.

در ششم بهمن ۱۳۴۱، همه پرسی انجام گرفت و اعلام شد که پنج میلیون و ششصد هزار رأی موافق و چهارصد هزار و صد و پنجاه رأی مخالف در سراسر کشور ثبت شد.





بعد از ظهر روز دوم فروردین به مناسبت سالروز **شهادت** امام صادق (ع) مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه قم برگزار گردید و جمعیت انبوهی در آن شرکت کردند، مأموران رژیم جلسه را به هم ریختند و شرکت کنندگان، به خصوص طلاب و روحانیون را مجروح ساختند که در این حادثه تنی چند نیز به شهادت رسیدند. پس از این حادثه اعلامیه‌هایی از علمای قم، تهران، نجف و دیگر شهرها صادر شد که رژیم شاه به دلیل بی‌حرمتی به دین، اصل دیانت، علما و طلاب محکوم است. رژیم شاه کارت تحصیلی طلاب را لغو و روحانیون جوان را دستگیر و به سربازخانه‌ها اعزام کرد. با آغاز محرم سال ۱۳۴۲ شمسی اغلب سخنرانی‌ها و عزاداری‌ها به صورت سیاسی برگزار شد. عصر روز عاشورا امام در مدرسه فیضیه قم، در حضور انبوه مردم سخنرانی نموده و از اعمال رژیم شاه، کشتار مردم، بی‌حرمتی به دین، بی‌حرمتی به اسرایلی و خطری که اسلام و کفر را تهدید می‌کند یاد کردند، ایشان شاه را بی‌ایمان، فرار داده و گفتند: آقا ما به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه آی جناب شاه من نصیحت را نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها...



شب دوازدهم محرم مصادف با ۱۵ خرداد، امام در قم، دستگیر و در تهران زندانی شدند. روز بعد که سوم عاشورا بود، علما و مردم از دستگیری امام آگاه شده، تظاهرات گسترده و پر دامنه‌ای در شهرهای بزرگ مانند تهران، قم، شیراز، مشهد و... پدید آمد. رژیم دستور سرکوب داد و در تهران، قم و دیگر شهرهای بزرگ صدها نفر کشته و مجروح شدند. در فروردین ۱۳۴۳، امام پس از آنکه چند ماه در تهران تحت نظر بودند، آزاد و شبانه به قم برده شدند. در ۲۱ مهر ۱۳۴۳، لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی "کاپیتولاسیون" در مجلس شورا به تصویب رسید. امام در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳، طی یک سخنرانی در مسجد اعظم قم، این مصوبه را عامل بردگی ایرانیان و ناقض استقلال کشور دانست و شاه را سخت مورد سؤال قرار داد و گفت: اگر مملکت ما اشغال آمریکاست اعلام کنید. رژیم در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، امام را به ترکیه تبعید کرد. هیجان عمومی تمام محافل مذهبی و مبارز و طرفداران نهضت اسلامی را فرا گرفت. تظاهرات و اعتصابات عمومی در تهران و قم و برخی شهرهای دیگر پدید آمد و رژیم نیز به سرکوبی ادامه داد و فرزندان امام حاج سید مصطفی خمینی نیز بازداشت و پس از چندی به ترکیه تبعید شد.

سرانجام با موافقت حکومت ایران، امام به همراه فائزادش از تکیه به نجف منتقل



امام اعلام کردند که از این پس هدف سرنگونی شاه و رژیم اوست. در آبان ۱۳۴۶، جشن تاجگذاری شاه برگزار شد و امام با صدور اعلامیه‌ای آن را محکوم ساخت. از بهمن ۱۳۴۸، امام خمینی درس «ولایت فقیه» را در نجف آغاز کردند که بعداً به شکل کتابی مدون در ایران و کشورهای عربی انتشار یافت.

در سال ۱۳۵۰، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که با هزینه‌های گزاف و هرزگی‌هایی صورت گرفت، آتش خشم عمومی را در تمام سطوح برافروخت و امام نیز به شدت این جشن‌ها را محکوم کرد. سال‌های ۵۰ تا ۵۴ اوج دستگیری، شکنجه، اعدام و سرکوب‌های رژیم بود. در سال ۱۳۵۳، که یکبارہ درآمد حاصل از فروش نفت افزون گردید، شاه برنامه بلند پروازانه رسیدن به تمدن بزرگ را اعلام کرد. در اسفندماه ۱۳۵۳ حزب "رستاخیز" به عنوان تنها حزب فراگیر با

تکیه به سه اصل اعتقادی، نظام شاهنشاهی و انقلاب ملی شاه اعلام شد امام علی (ع) را تحریم کرد. تغییر تاریخ‌های که به سبب آن قرار شد

شمسی، سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، در تمام مکاتبات رسمی مورد استفاده قرار گیرد، بیش از پیش بر خشم علما و مبارزان افزود.





در سال ۱۳۵۵، جیمی کارتر از حزب دموکرات رئیس‌جمهور آمریکا شد و از دولت‌های دوست خود از جمله ایران خواست که حقوق بشر را رعایت کنند. شاه ناگزیر "فضای باز سیاسی" را اعلام کرد و این فرصت مناسبی برای گسترش انقلاب در داخل و خارج کشور بود.

### شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی و گسترش قیام مردمی

در آبان ماه ۱۳۵۶، آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی در نجف توسط عوامل رژیم شاه به **شهادت** رسید. این خبر امواج تازه‌ای در حرکت فزاینده مردم ایجاد کرد و نوار سخنرانی امام در روز دهم آبان ماه در نجف، به منزله دستورالعملی برای تشکیل نیروها در مبارزه با رژیم بود. روز ۱۷ دی ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات مقاله اهانت آمیزی تحت عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" توسط فردی با نام مستعار احمد رشیدی مطلق، علیه امام درج گردید. روز ۱۹ دی، طلاب و عده‌ای از مردم قم در جریان اعتراض به مقاله اطلاعات، مورد هجوم قرار گرفته و طی آن چند تن به **شهادت** رسیدند. پس از حوادث قم، امام طی پیامی، سلطنت شاه را "غاصبانه و جابرانه" خوانده و فرمودند: کارتر و دیگر غارتگران مصلحت‌های مظلوم باید بدانند، محمدرضا، جابن و یاغی است و از سلطنت مخلوع است. مراجع تقلید نیز با انقلاب در گناباد و مبارزه با شاه شهادت



نوروز سال ۱۳۵۷، عزای عمومی اعلام شد و مراسم پانزده خرداد به صورت بستن بازار و ماندن در خانه‌ها اجرا شد. براساس رهنمودهای امام مراسم ماه رمضان ۱۳۵۷ و مجالس سخنرانی‌ها، یکسره سیاسی و انقلابی و ضد رژیم شد. در ۲۸ مرداد، سینما رکس آبادان توسط عوامل ساواک به آتش کشیده شد و \_\_\_\_\_یش از چهارصد نفر در آن سوختند؛ که خشم مردم به خصوص در خوزستان چندین برابر شد. روز ۵ شهریور، جمشید آموزگار از نخست وزیری مستعفی و مهندس جعفر شریف امامی مأمور تشکیل کابینه شد و دولت خود را با عنوان "دولت آشتی ملی" به صحنه آورد و برای فریب، خود را مذهبی و مقلد آیت‌الله شریعتمداری معرفی کرد. او تاریخ شاهنشاهی را لغو و قمارخانه‌ها را تعطیل کرد؛ مطبوعات را آزاد اعلام کرد و قول داد عوامل سوء استفاده کننده و فاسد را مجازات، زندانیان را آزاد، مالیات‌ها را کاهش و حزب رستاخیز را منحل کند.

در شهریور ماه ۱۳۵۷، نماز عید فطر باشکوهی در قیطریه تهران به امامت آیت‌الله مفتح برگزار گردید که نمایشی از قدرت مردم در مقابل استبداد بود. صبح ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، از طریق ۲ رادیو، در تهران و ۱۲ شهر بزرگ کشور حکومت نظامی اعلام شد. اما مردم بی‌خبر، صبح همان روز در میدان



بیشتر و مؤثرتر گردید. رژیم شاه که منشأ این قیام عمومی را شخص امام می‌دانست، در اندیشه اخراج ایشان از عراق افتاد. رژیم عراق با توصیه حکومت ایران امام را دعوت به سکوت و یا خروج از آن کشور کرد که ایشان راه دوم را انتخاب کردند و عازم کویت شدند؛ اما آن کشور به ایشان اجازه ورود نداد و از این رو در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۵۷ عازم فرانسه شد و در دهکده نوفل لوشاتو ساکن گردیدند. این هجرت، علیرغم تصور شاه، روح تازه‌ای به مبارزه بخشید. در آبان ماه، اعتصابات کارکنان شرکت نفت، مخابرات، بانک ملی، سازمان آب، راه، رادیو و تلویزیون و... بر دامنه مبارزات افزود. این اعتصابها دستگاه اداری کشور را به رکود و فروپاشی کشاند. در ۱۴ آبان، ارتشبد غلامرضا ازهاری مأمور تشکیل کابینه شد.

شاه طی یک پیام تلویزیونی از ملت ایران، علما و سیاستمداران خواست که به اصلاح امور کمک کنند و گفت: پیام انقلاب ملت ایران را شنیده است و وعده داد که حکومت و دولت نظامی، موقتی است و پس از آرام شدن اوضاع، انتخابات آزاد برگزار، فاسدین مجازات، قانون اساسی ارجاع و به طور کلی گذشته جبران خواهد شد. ۲۱

دولت ازهاری در نخستین گام، مطبوعات را تسخیر کرد و به دنبال آن اعتصاب مطبوعات

در پایان راهپیمایی قطعنامه‌ای در ۱۷ ماده در روز عاشورا خوانده شد که در آن علاوه بر خلع شاه از سلطنت و تأیید رهبری امام و استقرار حکومت "عدل اسلامی"، تأمین حقوق بشر، تأمین حقوق سیاسی کلیه افراد جامعه، اجرای عدالت اجتماعی و تأمین حقوق کارگران و دهقانان، به عنوان اهداف نهضت مردم اعلام شد.



از هاری به بستر بیماری افتاد و شاه اینبار "شاپور بختیار" را که اعضای قدیمی جبهه ملی بود نخست وزیر انتخاب کرد. او با شعار "سوسیال دموکراسی" گام به جلو نهاد. ژنرال هایزر فرستاده مخصوص آمریکا به ایران آمد و تلاش کرد ارتش را به حمایت و اطاعت بختیار وادار کند. تمهید دیگر شاه برای حفظ تاج و تخت خود، تشکیل "شورای سلطنت" بود. در ۲۶ دی، شاه به ناچار از ایران خارج شد. امام دولت بختیار را غیر



تظاهرات عظیمی در روز اربعین حسینی در تهران و سراسر ایران انجام شد. در تهران قطعنامه‌ای در ۱۰ ماده خوانده شد که در آن دولت بختیار غیر قانونی اعلام و از امام تقاضا شده بود که هرچه زودتر شورای انقلاب را معرفی کند. در ۵ بهمن ۱۳۵۷، با تلاش اردشیر زاهدی و کمک دولت و ارتش، عده‌ای در تهران به عنوان حمایت از قانون اساسی راهپیمایی کردند. در همان روزها اعلام شد که امام به زودی به ایران باز می‌گردد. به دستور بختیار فرودگاه‌های کشور بسته شد. تظاهرات مردم اوج بیشتری گرفت. سرانجام فرودگاه مهرآباد باز شد و در صبح ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ امام همراه عده‌ای که اکثراً تبعیدی‌سالیان پیش بودند، وارد شد، از فرودگاه به بهشت زهرا رفت و در آنجا طی سخنانی دولت بختیار را غیر قانونی اعلام نموده و وعده معرفی دولت انقلاب را به مردم داد. در روز ۱۹ بهمن عده‌ای از نظامیان نیروی هوایی ارتش به محل اقامت امام رفته و اطاعت خود را از رهبری انقلاب اعلام کردند. شب ۲۱ بهمن، در نیروی هوایی درگیری مسلحانه بین عده‌ای از افراد این نیرو و گارد شاهنشاهی پیش آمد که مردم دخالت کرده، به یاری نیروی هوایی شتافتند و بعدین ترتیب در پادگان‌ها به روی مردم باز شد و سلاح‌هایی به دست مردم افتاد.





و به دست مردم افتاد. در پایان روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، رژیم ۲۵۰۰ ساله پادشاهی و سلطنت ۵۰ ساله پهلوی منقرض گشت و حکومت "جمهوری اسلامی" تشکیل شد.

### نقش محرم در پیروزی انقلاب اسلامی

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ میدان ژاله که از آن پس میدان **شهدا** نامیده شد، به کربلای دیگری تبدیل گردید و زن و مرد و کودک حاضر در میدان به جرم اسلام خواهی و عدالت طلبی به گلوله بسته شدند. از ۱۷ شهریور تا ۱۰ آذر که مصادف با اول محرم الحرام ۱۳۹۹ بود اتفاقات مهمی در ارتباط با انقلاب اسلامی رخ داد. اعلام حکومت نظامی و تشدید برخورد با مردم مسلمان ایران، هجرت امام خمینی از نجف به پاریس، اعتصاب کارگران و کارمندان دولت، فاجعه مسجد جامع کرمان، کشتار دانش آموزان و دانشجویان در سیزدهم آبان رخ داده بود. ارتشبد از هاری که برای قلع و قمع مردم با دولتی نظامی به صحنه آمده بود به سانسور گسترده مطبوعات و رادیو و تلویزیون مبادرت ورزید. گسترش اعتصابات در دوره ۶۱ روز نخست وزیری او دولت را مستأصل ساخت. ۲۵ روز پس از آغاز به کار دولت نظامی از هاری، محرم ۱۳۹۹ فرا رسید. در شب اول محرم طی تظاهراتی بی سابقه و منحصر به فرد مردم ایران با سر دادن شعار "الله اکبر" و "لا اله الا الله" بر



مردم در اول محرم ۱۳۵۷ را محکوم و ارتباط قیام ملت ایران با حماسه عاشورا را اینگونه ترسیم نمود: این ملت، شیعه بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن فرمود و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام  $\text{ؑ}$  با خون خود سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید و پرچم اسلام را در پهنه کشور بلکه کشورها، به اهتزاز در می‌آورد. امام خمینی  $\text{ؑ}$  طی مصاحبه‌ای با روزنامه فاینشال تایمز به تاریخ ۱۳۵۷/۹/۸ در خصوص مبارزه با رژیم در ماه محرم برنامه مبارزه را ترسیم می‌نماید.

**سؤال:** برنامه شما، نظر و رهنمودتان برای طرفدارنتان در ماه محرم چیست؟

**جواب:** من در مورد محرم به دوستانم دستور داده‌ام و به آنان گفته‌ام که مجالس را هرچه بیشتر باید برپا نمایند و مراسم این ماه را بدون اجازه از دولت انجام دهند و اگر دولت جلوگیری کرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها و خارج تکایا مسائل روز را بگویند و نهضت را ادامه دهند. مصاحبه‌ای برای محرم ایشان، هم‌چنین، در ۱۳۵۷/۹/۱۴ مصاحبه با



رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز شده است. امسال در ماه محرم، نهضت حق درمقابل باطل تقویت می‌شود. من امیدوارم که نهضت اسلامی ایران در این ماه محرم مراحل آخر خود را طی کند.

آرزو و پیش بینی امام خمینی رحمه الله دائر بر اینکه رژیم پهلوی در ماه محرم ۱۳۹۹ مراحل آخر حیات خود را طی کند تحقق پیدا کرد. حضور میلیونی مردم در تظاهرات تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ که در حکم فراندومی علیه نظام شاهنشاهی بود پایه‌های رژیم شاه را کاملاً متزلزل کرد. به علاوه در روز عاشورا عده‌ای از نظامیان شاغل در گارد جاویدان که تکیه‌گاه رژیم در سرکوب نیروهای مردمی بود، تعدادی از افسران گارد را در نهارخوری پادگان لویزان به گلوله بستند. بدین ترتیب رژیم شاه دیگر از درون ارتش نیز احساس امنیت نمی‌کرد. سیل خروشان مردم در روز تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ ضربه سختی بر پیکر رژیم شاهنشاهی وارد آورد و آن‌ها را از فکر مقابله با این حرکت عظیم در روزهای مقدس تاسوعا و عاشورا خارج ساخت. برخورد خونین رژیم با مردم پس از عاشورا همچنان ادامه پیدا کرد. سی و شش روز پس از تظاهرات

# نگاهی به بریده روزنامه‌های

سال ۱۳۵۷



## شعارهای انقلابی مردم



نصر و من الله و مرگ بر این  
فتح قریب سلطنت بر فریب  
نصر و من الله و چشمتو وا کن  
فتح قریب ندهندت فریب



خمینی	کار شاه
امام است	تمام است
جمهوری	استقلال و
اسلامی	آزادی

آخرین کلام  
است

این رژیم پهلوی در  
حال جان کندن است  
دست و پا می‌زند، چون  
خود می‌کند  
مرگ بر شاه، مرگ بر  
شاه، مرگ بر شاه  
این دولت بختیار  
دولت ظلم و زور است  
با بودن پهلوی نخست  
وزیر مزدور است  
مرگ بر شاه ❖ ❖ ❖ مرگ بر

"مجاهد بت شکن" "خمینی قهرمان"

"فرموده است این چنین"

"به ملت مسلمان" "بهترین عبادت" "به  
نزد خداوند"

"برو تو ای بیگانه" "مگو دگر افسانه"

"که رهبر ما باشد"

"خمینی فرزانه" "بود به مهدی مرید و

نائب" "شود به زودی امیر و غالب"

ای شاه خائن  
آواره کردی  
خاک وطن را  
ویرانه کردی  
کشتی جوانان وطن،  
الله اکبر

مرگ بر شاه؛ مرگ بر شاه؛ مرگ



نه شاه می‌خوایم رهبر می‌خوایم با  
نه بختیار اختیار  
مرگ بر شاه و نه شاه می‌خوایم  
بختیار نه بختیار  
خمنه بر شاه مرگ بر شاه



رهبر ما خمینی بت داده‌اند به مردم  
شکن این وطن و این  
این رژیم پلید بدتر از یزید است  
است

مرگ بر این شاه  
مرگ - بر - شاه



